

گزارش « بیست و هفتمین » دورهمی قرآنی در مسجد سیدالشهداء صلوات الله علیه:

(از ساعت ۱۹,۱۵ تا ۲۰,۳۰ - شنبه: ۱۹ اسفند ماه ۱۴۰۲)

« قرآن » می‌فرماید: **اعْلَمُوا: أَنَّهَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا**

لَعِبٌ وَ لَهُوَ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ ... (حدید/۲۰)

پرسش اول: چرا می‌فرماید: «اعْلَمُوا»؟

پاسخ اول: « امکان شناخت دنیا » (بدون معرفی آن توسط خالق دنیا) برای هیچ انسانی « ممکن نیست », پس برای اینکه انسان « تکلیفش » را بشناسد خداوند باید « خصوصیات مهم دنیا » را معرفی کند.
پاسخ دوم: « اعْلَمُوا » یعنی: چون شما دنیا را نمی‌شناسید پس بدانید که « زندگی دنیا » فقط برای « آزمایش » شما با « انواع سختی‌ها و موانع » است لذا در آن با « ۵ پرتگاه و چالش بزرگ » مواجهید که اگر « دائماً مراقب خود نباشید » نه تنها به « زندگی حقیقی خود در آخرت » نمی‌رسید {= إِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ ... (عنکبوت/۶۴)} بلکه در « آتش جهنم », « مجازات » هم می‌شوید.

پرسش دوم: فرق « لَعِبٌ بآ لَهُوَ » چیست؟

پاسخ: « لَعِبٌ » هر نوع « تلاشی در حال توقف » است که انسان را به « هیچ مقصدی » نمی‌رساند. « حلوا حلوا گفتن, آب دیدن, در آب بودن, تکرار اسماء مقدس, تماس با اولیاء الهی و هر کاری » تا « نگاه, گفتار, رفتار, اخلاق و مواضع » انسان را « متحول » و « مقصد » او را مشخص نکنند, « بازی » محسوب می‌شوند. (البته بازی برای رشد عضلانی و ذهنی کودکان لازم و مفید است).
« لَهْوٌ », « مقصد قرار دادن هر کار دنیوی » است که انسان را از « بندگی خداوند », « غافل » می‌کند. مثل: سرگرم شدن به تمایلات و فرزندان: ... لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ... (منافقون/۹) و سرگرم شدن به تجارت خارجی و معاملات داخلی: ... لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ... (نور/۳۷) پس « لَعِبٌ », « در جا زدن در خود » و « لهو » هر کار « غفلت‌آور و بازدارنده و انحرافی » است.

پرسش سوم: با توجه به تأکید در فرزندآوری چرا « تَكَاثُرٌ فِي الْأَوْلَادِ » مذمت شده؟

پاسخ: « انسان » و « همه مخلوقات الهی » مانند « کارت‌های هدیه » هستند. زیرا همه آنها یک « جنبه فریبنده ظاهری » و یک « جنبه بسیار بسیار ارزشمند پنهانی » دارند.
« تکلیف و آزمون » انسان اینست که چقدر « قدر پنهان » در خود و دیگران را « نمایان » می‌کند: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ ... نَبْتَلِيهِ ... إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا (= قدردان) وَ إِمَّا كَفُورًا (= قدرشناس)(انسان/۳) پس « ازدواج و فرزندآوری » از بهترین مصادیق « شکر و تکامل » و بسیار « ضروری » اند, اما « تکاثر در فرزند » یعنی: « محور زندگی قرار دادن فرزند و سرگرم شدن به او », عامل « غفلت و انحراف » و « اینهمه قهر و طلاق و فروپاشی خانواده » و « انواع تخلفات » است.